



۱۳ سپتمبر، ۲۰۲۲

ملالی موسی نظام

هفته شهید

۹ سپتمبر مطابق به روز قتل «احمد شاه مسعود» است که به افواهاات گوناگون نحوه کشته شدن وی که بر گروه نامبرده دقیقاً و کاملاً آشکار است، در فضای مجازی اخبار ضد و نقیضی منتشر شده است، که مهمترین همانا اتهامیست که بر دو عکاس و خبرنگار عرب وارد میگردد که گویا برای قتل، عملیه انتحاری انجام داند.

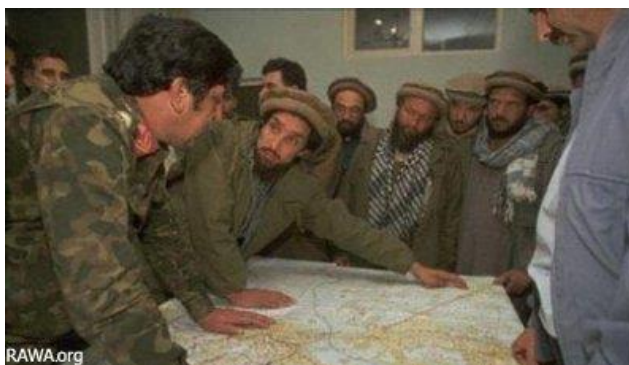
چون مسعود در سالهای اخیر و عصر سلطه اول طالبان به اقصی نقاط افغانستان پناهنده گردیده بود، از ملاقات با خبرنگاران و عکاسان اباہ میوزید، این دو شخص هفته ها در منزل ربانی و قانونی بسر بردند تا زمینه ملاقاتشان با «احمد شاه مسعود» فراهم گردید.

طوریکه در روز های مرگ مسعود از جانب گروه شورای نظار اعلام گردید، کمره عکاس عرب درین ملاقات منفجر شده و باعث قتل مسعود گردید؛ ولی چند ماه بعد ویدیو و مصاحبه ای از «مسعود خلیلی» دوست و همگام «احمد شاه مسعود» که در آن وقت به دیدار ولی نعمت خویش رفته بود، با یک خبر نگار فرانسوی منتشر گردید که با رد اعلامیه قبلی، پرده از راز قتل مسعود بصورت مستدل و مستند برداشت!

درین ویدیو که داخل اطاق را نشان میدهد، از قضاء کمره خبرنگار عرب صحیح و سالم با سه پایه آن بروی زمین افتاده است در حالیکه آثار دود و سوختگی در هر طرف به چشم میخورد. «مسعود خلیلی» به صراحت اظهار میدارد که شعاع آبی رنگ برنده ای از خارج اطاق، «احمد شاه مسعود» را هدف قرار میدهد و حادثه قتل مسعود و خبرنگار عرب و زخمی شدن خود وی صورت میگیرد. عکاس عرب که موفق به فرار از راه پنجره میگردد، ذریعه محافظین متعلق به «قسیم فهیم» سراپا مورد تیراندازی قرار میگیرد و بدینصورت شاهد عینی هم کشته میشود.

با تفصیل بالا، بعد از شکست طالبان و هجوم ناتو و قوای خارجی و نصب «حامد کرزی»، اظهر من الشمس است که این انسان متقلب با حمایت و قدرمندی از بقایای خاینان خلق و پرچم و جنایتکاران جنگ های خونین افغانستان، چه کجروی هابی را مرتکب گردید که یکی آن باوجود سوابق سیاه مسعود و گروه وی لقب «**قهرمان ملی**» را به نامبرده اعطا نمود و جنایتکار حرفوی و بیسواد بیکیفایت، «**قسیم فهیم**» را به مقام «**مارشالی**» مفتخر گردانید. از همه مسخره تر که روز قتل مسعود را به نام «**هفته شهید**» مسمی نمود و بر خون پاک ملیون ها شهید و مبارز ملی خط سیاه کشید!

به ارتباط به موضوع «**هفته شهید**» که بی مهابا کار روایی های «**احمد شاه مسعود**» هم مطرح میگردد، در میدیای مجازی انترنتی هم البته با تکیه به نظریات، تبلیغات و عقاید آزاد هموطنان، ضد و نقیض هابی را در مورد، جنگ سالار مذکور مطالعه می نماییم؛ چنانچه در زمینه دوست و همکار فرهنگی، محترم «**داوود ملکیار**» در دریچه نظریات و بسایت «**آریانا افغانستان آنلاین**» گویا با صراحت ازین روش پیروی می نماید که آنچه را مسعود مرتکب گردیده است در حقیقت ایجابات همان موقف و همان عصر و زمان بوده است. «**یقین این طرز تفکر مجموع وابستگی علنی مسعود را به آی اس آی، سی آی آ، م آی آ، و قوای اشغالگر نمبر ۴۰ اتحاد و شوروی وقت به اتکاء استناد به راپور های معتبر ممالک درگیر به جنگ های افغانستان و خاطرات مأمورین خارجی و داخلی منتشر گردیده است، زیر سؤال میبرد.**» آیا قرار داد ها و پروتوکول هابی که با قوای اشغالگر به حکم منابع معتبر برای حمایت از آن قواء و سرکوبی مجاهدین برحق مناطق اطراف جهت حفظ سالنگ ها برای قوای زمینی شوروی صورت گرفت، هم اجبار وقت و زمان بوده است؟! شراکت در معاهده ای برای جدایی شمال و جنوب افغانستان «**شهنواز تنی، احمدشاه مسعود و جنرال گروموف**» که خوشبختانه با عدم قبولی شورای وقت، بار کج به منزل نرسید، چطور؟ آیا مفکوره تجزیه خاک مقدس افغانستان به منظور تشکیل و تطبیق پلان ابدی «**تاجکستان بزرگ**» هم از ایجابات عصر و زمان بود؟!



مجموعه ای از این تصاویر که مسعود را بالای نقشه مقدس افغانستان با گروه نبی عظیمی، نورالحق علومی، وابستگان مهم دولت وابسته به شوروی، فهیم و انجنیر پناه که از اسرار زیادی مطلع بود و ذریعه شورای نظار بعداً کشته شد، نشان میدهد... و سؤال اینست که مسعود با خائنین قدرتمند حزب پرچم چه مذاکراتی بر روی نقشه مقدس کشور داشت، تقسیم و ترکه مادر وطن؟! سالهاست هیچ دفاعیه ای در مورد این عکس صورت نگرفته است! با شناختی که از دوست ما محترم «داود ملکیار» داریم، وی هرگز به «احمد شاه مسعود» لقب قهرمانی نمی بخشد و میداند که مقاومت نامبرده به مقابل قوای شوروی فقط چند سال محدود در اوایل بوده، بلکه ویرا به منزله «یک چشمه در شهر کوران» میپندارد و به مجرمین جنگی دیگر، منجمله که «گلبدین حکمتیار» باشد مقایسه میکند، در حالیکه گروه های هفتگانه تنظیمی و روئسای جنگ های خونین جهادی هم خائنین ملی و وابسته به یکی از همسایه های غدار بودند، ولی با راکت پرانی های متداوم بر اهالی بیدفاع شهر کابل و ویرانی وحشتناک آن، این دو، قهرمان ایجاد وحشت و دهشت شمرده میشوند.

البته غیر از «مسعود» بقیه روئسای تنظیم ها که هرگز قابل عفو نمیباشند، در تجزیه خاک مقدس افغانستان نظری نداشتند و نه قرار داد ها و پروتوکول های باهمی را علیه مجاهدین ملی با قوای شوروی امضاء نموده با حفظ سالنگ ها و پایپ لین گاز، جنگ افغانستان را به درازا کشیدند!! گرچه چند سطر محدود دوست فرهنگی ما «داود ملکیار»، نباید نشر دفاتری مستند از حوادث خیانت و جنایت یک جنگ سالار را ایجاب نماید، ولی اینکه هنوز کتمان و اغماض حقایق سرنوشت ساز تاریخ مردم افغانستان موجبات ناباوری را در نتیجه تبلیغات و نظریات شخصی، برای نسل های ما سبب میگردد، وظیفه با بیطرفی و استناد باید بر اوراق تاریخ صحه گذاشت. بنابراین، در میدیای بیرون کشور با همکاری دوست فرهنگی دیگری که محترم «میر عبدالرحیم عزیز» محقق، مترجم و مسعود شناس افغان هستند، مدارک و اسنادی را برای افشای حقایق تلخ درین زمینه به تدریج فراهم خواهیم نمود.

ناگفته نماند که در مورد تلفات تقریبی ۱۱-۱۲ فروری ۱۹۹۳ «قتل عام افشار» و جنگ های خونین و جنایات بشری ۱۹۹۲-۱۹۹۶ هم اختلاف نظری با دوست محترم ما آقای «داود ملکیار» موجود است، یعنی در هردو مورد تلفات ناچیزی «!؟» به زعم ایشان بر مردم بیدفاع پایتخت وارد شده است که باید تعداد تلفات را هم از منابع معتبر بدست آورده و تقدیم هموطنان ارجمند نماییم. درین زمینه نظر ایشان در مورد قتل عام افشار در حدود ۳۵۰ نفر و تلفات جنگ های خونین داخلی را تقریباً ۵۰۰۰-۶۰۰۰ بیشتر نمیتوانند قبول بفرمایند.

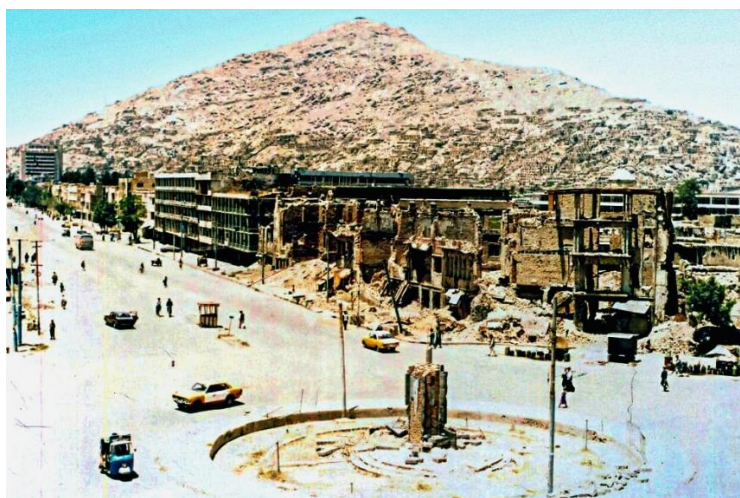
اینقلم سالهاست که جهت روشن شدن حقایق تلخ تاریخ معاصر و جنگ های افغانستان، برای هموطنان ما توصیه مطالعه راپور های «**کمیته نظارت بر حقوق بشر - Human Rights watch**» ملل متحد را که خبرنگاران آن در افغانستان فعال بودند و «**راپور عدالت یا دادخواهی افغانستان** - **Afghanistanjusticeproject.org**» را که ذریعه یک کمیته حقوقدانان خبره در هالند با مصاحبه با تقریباً ۶۰۰۰ هموطن شاهد عینی در سرتاسر کشور به عمل آمده است و در السنه انگلیسی، پشتو و دری موجود است، نموده ام، تا از استناد و استدلال بیطرفانه رویداد های کشور و صفحات تاریخ آن دوره های خون و آتش مطلع گردند.

در تبصره بالای روز شهید، اختراع جانب دارانه «**حامد کرزی**»، به سراغ مطلب مطبوعاتی خبره و مدیر مسئول مجله ملی و وزین «**لمر**»، میرمن «**درخانی ذهنین**» در فیسبوک ایشان می رویم:

هفته شهید:

سوال مطرح میشود که کدام شهید؟!

آیا این روز، روز یادبود میلیونها هموطن من است که بیگناه، بیرحمانه، ظالمانه و ناجوانمردانه طی این چهل و چند سال اخیر به شهادت رسیده اند؟ و یا روز تجلیل و بزرگداشت از قاتلین هموطنان بیگناه من!!!



منظره رقتباری از ویرانی پایتخت افغانستان در عصر خونین ربانی- مسعود. دردا که منار ویران سپاهی گمنام هم هدف راکت پرانی های مسعود - حکمتیار قرار گرفته است

من از شاهدان عینی جنایات سالهای ۱۹۹۲ و بعد از آن هستم. من شاهد قتل عام مردم شهر کابل اعم از زن، مرد، پیر و جوان این شهر هستم. آیا از شهریان شهری که همه روزه زیر باران راکت و بم چند قدرت طلب جانی فریاد میزدند و عزیزان خود را دفن میکردند، یادی خواهد شد؟ آیا از

زناني که سينه هايشان بريده شد و مرداني که در داش هاي خشت پزي پخته شدند، يادي خواهد شد؟
آيا از آنانيکه عزت شان برباد رفت، کسي ياد خواهد کرد؟ آيا درين روز به عاملين اين جنايات
بشري نفرت تانرا نثار خواهيد کرد!

اي آنانيکه امروز صفحات تان با تقدير و يا پيروي از جنايتکاران، وطنفروشان، خابنين، متعصبين،
دزدان و عاملين جنايات بشري در افغانستان پر است، لعنت بر شما .

من امروز به ياد ميليونها شهيد هموطنم که ديگر صدا ندارند تا صدای خود را بلند کنند صدا بلند
ميکنم و نفرت و انزجار خود را نه تنها به جنايتکاران "اين عاملين اصلي جنايات بشري در افغانستان"
بلکه بيشتر از آن به حاميان نانسان شان ميفرستم. لعنت خدا، رسول و ملت بر جنايتکاران و کسانیکه
از جنايتکاران مستقيم و غير مستقيم حمايت ميکنند. الحق که در انسان بودن شما شک است و درينکه
شير انسان را خورده ايد شک بيشتر!!!

خانه هايتان خراب بادا!!!

د شهيد اونی!

دکوم شهيد اونی؟

په دې اونی کي آيا زما له هغه بيگناهو هيوادوالو چي په ډيره بيرحمي او ناخواني شهيدان شوي دي،
يادونه کپري؟ او يا دا اونی زما د بيگناهو هيوادوالو د وژونکو د ستايني اونی ده؟

زه د ۱۹۹۲ کال او وروسته کلنو د جناياتو شاهده يم. آيا په دې اونی کي د هغه ماشومانو، بنخي،
نارينه، سپين سري او شپين ريري کابلانو نه چي د خو قدرت طلبو زورواکو د راکيتو لاندي شهيدا
شول يادونه کپري؟ آيا د هغه بنخو چي تي يي پري شول او عزت يي لوټ شو يادونه کپري او يا د
هغه نارينه چي د خبنتو د پخولو داشو کي پاخه شول يادونه کپري؟ او يا دا اونی زما د ولس د قاتلينو
او هيواد د پلورونکو د درناوي اونی ده؟!

تاسو چي پاني مو د وطنپلورونکو، خابنانو، زورواکانو او جنايتکارانو د ستايني نه ډکي دي، لعنت
پر تاسو!

نن زه د هغه ميليونو افغان شهيدانو په استازيتوب غږ پورته کوم او خپله کرکه او نفرت جنايتکارانو
او د جنايتکارانو پلويانو ته رسوم. د خدای، رسول او امت تو او لعنت پر جنايتکارانو او د هغوی په
پلويانو. زه نه يواځي ستاسو پر انسانيت بلکه په دې چي تاسو د انسان شيدې رودلي وي، شک لرم.

خدای مو وشرموه!

کور مو وړان شه

تبصره این قلم بر مطلب مذکور:

درخانی جان عزیز، صد آفرین بر قلم و احساس ملی و انسانی شما که در مورد یکی از خطاهای جگرسوز ملی و اجتماعی افغانستان ویران و سرزمین شهداء... همان شهدا نیکه آوای حق و ناله مظلومانه شان در گلو خفه گردیده، صدا بلند می نمایند.

نهم سپتمبر که در حقیقت روز قتل مسعود از جانب گروه خیانت پیشه وی با بازی های پشت پرده کثیف سیاسی است، از طرف حامد کرزی دلفک به نام هفته شهید مسمی گردید، این تصمیم خار چشم یک ملتی گردید که مانند شما شاهد عینی ملیون ها شهید وطن در عصر اشغال افغانستان عزیز و جنایات بشری هولناک گروه های جهادی و ادم کشان حرفوی بودند.

انچه از عصر جنایات خلق و پرچم خاک فروش تا الان بر ملت ما فرود می آید، در حقیقت زاده اعمال همان وطنفروشان، چپاولگران و مجرمین جنگ های دهشتبار کشور در غم نشسته ماست. چرا باید هفته شهید در روز قتل فرزند ناخلفی باشد که با شوروی پروتوکول ها امضاء نمود و سالنگها و پایپ لین را برای قوای زمینه روس محافظت نمود و بعد تر در تقابل با گروه های دیگر جهادی کابل را در خون و آتش مذاب فروبرد؟ چرا این روز را که باید از شهادت ملیون ها هموطن تقدیر گردد، با تاریخ قتل جنایتکار افشار مزین ساخت، آنکه با گلبدین کابل را به راکت و توپخانه بستند و جوی خون را در کوچه و بازار روان نمودند؟ این ددمنشان جنایت پیشه در عصر سیاه جمهوریت ربانی و قوماندانی مسعود، مظالمی که بر زن و دختر بی دفاع افغان وارد نمودند، روی تاریخ را سیاه کرد و پشت دست چنگیز و هیتلر را بوسیدند!

مرگ بر هرآنکه بر ملت مظلوم افغانستان این جنایات بشری را تحمیل نمود و امیدواریم برای ایتحاف دعا به ارواح مقدس شهدای وطن، روز دیگری به عوض روز خجالتبار ۹ سپتمبر انتخاب گردد.

پاسخ میرمن درخانی ذهین:

ملال گرامی! این سرزمین به همت فرزندان رشید و حقبینی مثل شما پا بر جاست. ما هرگز دشمنان این سرزمین و قاتلین این ملت را نمی بخشیم و در برابر جنایات شان همیشه صدا بلند خواهیم کرد. ما نخواهیم گذاشت که تاریخ را مسخ کنند و نسل آینده را اغوا. ما به همه عاملین جنایات بشری در افغانستان بدون در نظر داشت قوم، زبان، سمت و مذهب نفرین و انزجار خود را میرسانیم

پایان